

برداشت های ناصحیح از تقریب

مهدی عزیزی^۱

مقدمه

از زمانی که ایده تقریب مذاهب به عنوان یک دعوت رسمی از سوی دلسوزان امت اسلامی و پیشگامان تقریب مطرح شد و درباره آن کتابها و مقالات متعدّد نگاشته شد تا به امروز قریب به یک قرن می‌گذرد. در این بین تلقی‌های نادرستی از مفهوم تقریب بین مذاهب در اذهان شکل گرفته که گاه همین برداشتهای ناصحیح موجب سوء ظن به دعوت مبارک تقریب بین مذاهب اسلامی شده است که در این مقاله به برخی از این برداشتهای ناصحیح اشاره می‌شود.

۱. ادغام مذاهب موجود

یکی از برداشتهای نابجا از تقریب بین مذاهب اسلامی این است که تقریب را به معنای ادغام همه مذاهب اسلامی و تولید یک مذهب مشترک و مختلط از مجموعه آموزه‌های مذاهب بدانیم، مذهبی که بتواند نظر همه صاحبان مذاهب را جلب کرده و همه را حول محور خودش جمع کند. در واقع این نگاه به تقریب، نظر به نوعی تفاهم مذهبی و معامله و سازش بر سر اصول و مصالح مسلمانان بر پیروی از یک مذهب مورد تفاهم دارد. (ر.ک: واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰)

این نحوه برداشت از تقریب مذاهب، ناصحیح بوده و تفسیری است که صاحبان نظریه تقریب و منادیان گذشته و حال تقریب مذاهب اسلامی به آن راضی نیستند چنان که برخی از بزرگان تقریب مذاهب نیز به این مطلب تصریح کرده اند. مرحوم قمی مؤسس دارالتقریب قاهره در این باره می‌نویسد:

«امتزاج مذاهب اسلامی نه هدف ماست و نه مقصود ما بلکه ندای ما این است که مسلمانان در اصول اسلام - اصولی که مسلمان بدون اعتقاد به آن مسلمان شناخته نمی‌شود - متحد باشند یعنی بدانند که در اصول با یکدیگر اتحاد دارند و در سایر مسائل نیز همچون کسی که قصدش دشمنی یا فلج کردن دیگران و غلبه بر آنان نیست به یکدیگر بنگرند...» (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷)

گذشته از اینکه منادیان تقریب، چنین مقصودی از تقریب نداشته و ندارند، چنین امری امکان وقوعی ندارد زیرا اختلاف، یک امر طبیعی در بین انسانها است و اصولاً اقدام به چنین کاری باعث بروز درگیری و اختلافات جدیدی بین مسلمانان گشته

۱. محقق و پژوهشگر پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی، استاد حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه تربیتی

و عملاً نقض غرض از تقریب حاصل خواهد شد. اگر چه عناصر مشترک بین مذاهب فراوان است تا جایی که برخی از بزرگان تقریب، این مشترکات را تا حدود نود درصد دانسته اند. (ر.ک: واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱) اما با این حال در عمل، توافق بر این که همگان ملتزم به مذهبی واحد گردند امکان پذیر نیست زیرا هر کدام از این مذاهب دارای مبانی خاص و اصول ویژه خود هستند که گاهی تسالم و تصالح بر مذهب واحد منجر به دست کشیدن از برخی از آن مبانی خواهد شد که پیروان مذاهب به آن راضی نخواهند شد.

نتیجه این که تقریب به معنای ادغام مذاهب نه تنها هدف تقریب را تأمین نمی کند بلکه گاهی موجب اختلاف بیشتر نیز می گردد و عملاً چنین کاری امکان پذیر نخواهد بود.

استاد شهید مرتضی مطهری که از منادیان وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی بود در این باره می گوید:

«بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها- که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی- نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.» (مطهری؛ ۱۳۸۴، ج ۲۵، ص ۲۶)

۲. انحلال مذاهب موجود و تأسیس مذهب جدید

طرفداران این دیدگاه معتقدند باید تمام مذاهب اسلامی موجود کنار گذاشته شود و علمای مسلمان طرح مذهب جدیدی را بریزند. (ر.ک: واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰) این تلقی هر چند بسیار نزدیک به تلقی ادغام مذاهب است ولی با هم متفاوت می باشند.

در تلقی ادغام مذاهب، نظر به حفظ مذاهب موجود و ادغام مشترکات آنها و تفاهم بر مذهبی متشکل از همه مذاهب است تا صاحبان همه مذاهب را راضی کند و همه بر طبق آن مشترکات ادغام شده رفتار کنند اما در این تلقی، سخن بر سر دست برداشتن از همه مذاهب موجود و تأسیس مذهبی جدید است، مذهبی که ممکن است از آموزه های همه مذاهب سرچشمه نگرفته باشد.

این برداشت از تقریب نیز با همان اشکالات تقریب به معنای ادغام مذاهب مواجه است و در عمل، امکان آن وجود نداشته و پیروان مذاهب گوناگون به چنین چیزی راضی نخواهند شد. بنابراین چنین راهی، تقریب ساز نبوده و مقصود از منادیان تقریب نیز چنین مطلبی نیست.

۳. انتخاب یکی از مذاهب موجود

اساس این تلقی از تقریب مذاهب بر این است که تمام مذاهب اسلامی را باید مورد بررسی و دقت نظر قرار داد و یکی از آنها که با ظواهر قرآن و سنت بیشتر از دیگر مذاهب مطابقت دارد را پذیرفته و مذاهب دیگر را به کلی طرد کنیم. این تفسیر از تقریب، افزون بر این که خلاف تصریح منادیان تقریب هست (ر.ک: بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷۹) اشکالش از تلقی ادغام مذاهب و تلقی تأسیس مذهب جدید بیشتر است زیرا روشن است که طرفداران مذاهب به هیچ وجه حاضر نیستند که دست از مذهب خود و اصول حاکم بر آن کشیده و مذهب دیگر را بپذیرند. چنین طرحی نه تنها موجب تقریب و همدلی بین پیروان مذاهب نمی شود بلکه سبب بروز اختلافات و درگیری های بیشتر می گردد. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می گویند:

«آیا ممکن است اقدامی بشود که يك وحدت مذهبی به وجود بیاید؟ این عملی نیست، لاقلاً به این زودی ها عملی نیست. ما خودمان که شیعه هستیم هنوز نتوانسته ایم در امر تقلید، وحدت به وجود بیاوریم و کاری بکنیم که مجتهدین شورای فتوایی تشکیل دهند و در هر زمانی مردم يك رساله عملی بیشتر نداشته باشند، آن وقت توقع داریم که حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی و وهابی و زیدی همه بیایند شیعه اثنا عشری بشوند؟» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ص ۹۰)

۴. اسلام بدون مذهب

مذهب، همانطور که از نامش پیداست راهی است برای فهم و عمل به دین. مذاهب گوناگون هر کدام مدعی اند که راه وصول به حقیقت دین از طریق ما ممکن است. ایده اسلام بدون مذهب معتقد است که منشأ تمام اختلافها مذهبی بین مسلمین، وجود مذاهبی است که همه آنها بعد از رحلت رسول اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» به وجود آمده اند و حال این که آنچه ما باید متعبد به آن باشیم اصل دین است لذا ما باید به سمت اسلام بدون مذهب برویم تا با این کار هم به اصل جوهر دین برسیم و هم از اختلافات ناشی از مذاهب متعدّد رهایی یابیم و این خود، راهی است برای تقریب بین پیروان مذاهب.

نگاه اهل سنت سلفی بسیار نزدیک به این دیدگاه است. این گروه به پیروی از ابن تیمیه معتقدند که ملاک فهم اسلام، فهم صحابه رسول اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» در مرحله اول و سپس تابعان صحابه در مرحله بعد و تابعان تابعان در مرحله سوم است بنابراین اولویت برای فهم آموزه های دین نه امامان مذاهب بلکه سلف صالح، که همان صحابه و تابعان آنها و تابعان تابعان هستند می باشد. (فرمانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۱۷)

وجه تسمیه این گروه به سلفیه هم همین است زیرا سلف به معنای پیشینیان در مقابل خلف، مرجع فهم دین در نگاه این گروه هستند و برخلاف اکثریت اهل سنت که تنها اجماع سلف را حجت می دانند و به فهم سلف از دین کمتر

اهمیت می دهند، سلفیان، تمام آموزه هایی که در مذاهب اهل سنت بعد از سه نسل صحابه و تابعان و تابعان تابعان وجود دارد را در صورتی که معارض با آموزه های سلف باشد به کنار می گذارند و به نوعی خود را وابسته به مذهب خاصی نمی دانند. (همان)

ناگفته نماند هرچند ممکن است ایده اسلام بدون مذهب راهی مناسب برای تقریب بین مسلمین تلقی شود اما اهل سنت سلفی، این ایده را به عنوان تقریب دنبال نکرده و دغدغه تقریب مذاهب به آن شکل که بین منادیان تقریب در سده اخیر مطرح است را ندارند.

در نادرست بودن این تلقی نیز همین بس که این ایده به عنوان راهی برای تقریب بین پیروان مذاهب از همان اشکالات تلقی های نادرست قبلی برخوردار است چرا که پیروان مذاهب هیچ گاه راضی نمی شوند که دست از آموزه های مذهب خویش بردارند و این که بخواهیم همه را ملزم به پذیرش چنین ایده ای بکنیم در عمل امکان پذیر نیست. شهید مطهری از منادیان وحدت و تقریب بین مسلمین در این باره می گوید:

«ما در صدد این نیستیم که طرحی برای از بین بردن فرقه ها و مذاهب و بازگشت همه به اصل اسلام بریزیم زیرا این کاری است که اولاً از ما ساخته نیست و ثانیاً وحدت اسلامی متوقف بر این نیست که فرق و مذاهب از بین برود. جهات اختلاف فرق و مذاهب آن قدر زیاد نیست که مانع اخوت اسلامی بشود.» (مطهری؛ ۱۳۸۴، ج ۲۵، ص ۳۸)

نکته دیگر اینکه منادیان تقریب از ابتدای شکل گیری آن تا کنون اذعان کرده اند که مقصود ما از وحدت بین مسلمین و تقریب، نزدیک کردن پیروان مذاهب با حفظ مذاهب خودشان است. (ر.ک: بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰-۱۱۱) مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در این باره می فرمایند:

«بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.» (بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۱)

نتیجه گیری

تمام طرح های پیشنهادی بالا در جهت دستیابی به تقریب بین امت اسلامی، در واقع خروج از موضوع مسأله و پاک کردن صورت مسأله است زیرا موضوع تقریب، نزدیک سازی پیروان مذاهب اسلامی با حفظ مذهب خویش است و ما باید به دنبال طرح هایی باشیم که در عین اینکه اصول هر مذهب را حفظ می کنیم، بتوانیم بین پیروان آنها تقریب ایجاد کنیم. بنابراین تلقی های ذکر شده از تقریب بین مذاهب، تلقی های ناصواب از مفهوم تقریب به شمار می آیند.

کتابنامه

۱. واعظ زاده خراسانی، محمد(۱۳۷۳ش)، پیام وحدت، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم(۱۳۷۷ش)، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات
۳. مطهری، مرتضی(۱۳۸۴ش)، مجموعه آثار («الغدیر» و وحدت اسلامی(شش مقاله))، ج۲۵، انتشارات صدرا؛ چاپ هفتم
۴. فرمانیان، مهدی(۱۳۹۵ش)، جریان شناسی سلفی گری معاصر، قم، زمزم هدایت.

۵. <https://farsi.khamenei.ir>